

بررسی دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی ایران

امیر سیاهپوش^۱

استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۶/۲۱)

چکیده

در این مقاله دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه اقتصاد با بهره‌گیری از آمارهای رسمی و تحقیقات انجام‌گرفته بررسی شده است. در بین شاخص‌های متنوع و گاه متعارضی که برای رشد و توسعه اقتصادی طرح می‌شود، در اینجا بر توسعه زیرساخت‌ها، رهایی از وابستگی به خام‌فروشی نفت، مسئله تولید ثروت و خودکفایی و توزیع عادلانه ثروت در جامعه تأکید شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دستاوردهای انقلاب در توسعه زیرساخت‌ها و در مقایسه با شرایط قبل از انقلاب بسیار خوب و در مواردی چشمگیر بوده است، به‌خصوص در توسعه آب، برق، تلفن، گازرسانی به شهرها و روستاها، ساخت مسکن مستحکم و توسعه راه‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم. دستاوردهای اقتصادی در حوزه کشاورزی و خودکفایی، رشد درون‌زای برخی صنایع جدی بوده، اما با وجود توسعه صادرات غیرنفتی و رشد صنایع تبدیلی و پتروشیمی همچنان تکیه بر خام‌فروشی نفت بوده و تحول بنیادینی در این بخش رخ نداده است. در توزیع درآمد و کاهش فاصله مرکز-پیرامون و کاهش فاصله بین نقاط شهری و روستایی تحولات اساسی رخ داده است، هرچند براساس برخی شواهد پس از جنگ و طی سالیان اخیر، با بازگشت به فرهنگ اشرافی فاصله درآمدی اقشار ضعیف و ثروتمند افزایش پیدا کرده است.

واژه‌های کلیدی

انقلاب اسلامی، دستاوردهای اقتصادی، کارآمدی.

مقدمه

اغلب نظریه پردازان انقلاب بر این موضوع توافق دارند که انقلاب، تغییری بنیادین و همه‌جانبه است که همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. در غیر این صورت، تغییر و تحول به‌وجودآمده را نمی‌توان انقلاب نامید. بر این اساس می‌توان گفت انقلاب در حقیقت نوعی نقطه عطف محسوب می‌شود که تاریخ جامعه را به‌صورت بارزی به دو قسمت پیش و بعد که کاملاً با هم متفاوت‌اند، تقسیم می‌کند (روشه، ۱۳۷۹: ۲۲۲). البته در مورد دو مفهوم فراگیر و بنیادین تفاسیر متعددی وجود دارد و برخی از این تعاریف متناقض‌اند. برخی تعاریف به‌گونه‌ای است که اساساً نه می‌توان آنها را بنیادین دانست و نه فراگیر.

انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین انقلاب‌های تاریخ معاصر است که بنیادین و فراگیر بودن آن را غالب صاحب‌نظران علوم اجتماعی پذیرا هستند. یکی از ابعاد مورد بحث، تغییرات اقتصادی متأثر از انقلاب اسلامی است. هدف مقاله حاضر، بیان تحولات و تغییرات اقتصادی ناشی از انقلاب اسلامی در جامعه ایران است. در نسبت با همین موضوع است که کارآمدی در دستیابی به اهداف و آرمان‌های انقلاب بیش از هر جای دیگری نمود عینی پیدا می‌کند. برخی معتقدند که مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی در ایران، کسب استقلال سیاسی و رهایی از سلطه بیگانگان بوده است؛ اما استقلال سیاسی به‌تنهایی برای رسیدن به اهداف متعالی نظام اسلامی کافی نیست و باید با اتخاذ روش‌هایی کوشید تا استقلال اقتصادی نیز حاصل شود. استمرار و پایداری استقلال سیاسی به دستیابی نظام به استقلال اقتصادی منوط است و بدون این‌یک، دیگری نمی‌تواند دوام آورد و در درازمدت، هویت خود را از دست خواهد داد. (سمیعی‌نسب، ۱۳۹۲).

تعریف مفاهیم

کارآمدی انقلاب اسلامی: دستاورد با مقوله کارآمدی ارتباط تنگاتنگ و تفکیک‌ناپذیری دارد. در حقیقت بحث در خصوص دستاوردها بدون توجه به این مقوله ناممکن است. در بررسی میزان کارآمدی انقلاب اسلامی به‌طور معمول به ملاک‌های زیر توجه شده است: مقایسه آثار با اهداف، مقایسه آثار با امکانات دولت و کشور، سنجش آثار با اهداف و امکانات به‌طور همزمان، مقایسه وضع موجود ایران با کشورهای پیشرفته، مقایسه وضع موجود ایران با کشورهای هم‌تراز و مقایسه وضع موجود نظام جمهوری اسلامی با قبل از انقلاب.

توسعه: مفهوم توسعه، مفهوم اصلی و محوری در ارزیابی دستاوردهای انقلاب، است. این مفهوم محور تحلیل‌های محققان رشته‌های مختلف علوم انسانی در بررسی عوامل و شاخص‌های پیشرفت در یک جامعه بوده است. مناقشات جدی در خصوص این مفهوم و

شاخص‌های آن وجود دارد. خوشبختانه شاخص‌های حوزه اقتصادی ماهیتی عینی‌تر و دقیق‌تر دارند و ما در این مقاله تلاش خواهیم کرد بیشتر به همین نوع شاخص‌ها بپردازیم و کمتر وارد عرصه‌هایی شویم که توافق چندانی در خصوص آن وجود ندارد. به‌علاوه حجم داده‌های موجود در این حوزه به‌اندازه‌ای است که مقاله گنجایش پرداختن به تئوری‌ها را ندارد. این دست مطالب به‌کرات در مقالات مشابه بحث شده و علاقه‌مندان می‌توانند به منابع متعدد موجود مراجعه کنند.

میر توسعه را رشد اقتصادی توأم با تحولات تعریف کرده و تحولات را به تغییرات در دو حوزه منوط می‌کند: نخست: ارزش‌ها و نهادها و دوم تغییرات فنی (Meier, 1995). متوسلی معتقد است ورود به مسیر توسعه به‌معنای جایگزینی فقر با رفاه، بی‌سوادی با تخصص و مهارت، وابستگی فنی و تکنولوژیک با استقلال و پیشتازی در علوم است (متوسلی: ۱۳۸۲: ۱۰). ویلیامسون فرایند توسعه را به چند سطح تفکیک می‌کند: در سطح اول، وقوع توسعه به ایجاد تغییرات بنیانی در ارزش‌ها منوط می‌شود. در این دوره که ممکن است صدها سال به طول انجامد، ارزش‌های مانع توسعه به ارزش‌های پیش‌برنده و ارتقادهنده تغییر ماهیت می‌دهند و این ارزش‌ها ضمن تحول، شکل رسمی به خود می‌گیرند و به‌صورت قوانین و مقررات، نظم و نیازمندی لازم برای تسریع جریان توسعه را فراهم می‌کنند. مرحله بعدی این فرایند مقطعی است که قوانین اقتصادی، کارکردی نزدیک به قواعد و قوانین مکانیکی می‌یابد. (Williamson, 2000). آمارتیا سن توسعه را عبارت از افزایش توانمندی‌ها^۱ و بهبود استحقاق‌ها^۲ می‌داند. به‌عبارت‌دیگر از نظر او اقداماتی که توانمندی‌های انسان را در ابعاد مختلف عمق و گسترش می‌دهد عوامل پیش‌برنده توسعه‌اند و برعکس اقدامات و شرایط کاهنده توانمندی‌های انسان، عوامل بازدارنده توسعه محسوب می‌شوند. وجه دیگر این تفسیر، گستره حقوقی است که یک فرد از بدو تولد و در مقاطع مختلف زندگی، در ابعاد گوناگون (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند اینها) از آن برخوردار می‌شود و درجه توسعه اقتصادی نیز با همین برخورداری‌ها یا تحقق استحقاق‌ها در یک جامعه سنجیده می‌شود (Sen, 1983).

در مجموع توسعه در یک نگرش ساده در همه جوامع به وضعیتی اطلاق می‌شود که حداقل سه هدف یا شرط را محقق کند: اولین هدف، امکان دسترسی بیشتر به کالاها و خدمات تداوم‌بخش حیات انسان مانند غذا، مسکن و پوشاک است. دومین هدف افزایش سطح و استانداردهای زندگی و بهره‌مندی انسان‌ها از مواهب مادی است. سومین هدف که غایتی کاملاً کیفی است عبارت است از گسترش دامنه گزینه‌ها و انتخاب‌های افراد و ملل در زندگی؛

-
1. Capability
 2. Entitlements

ارتقای ظهور قابلیت‌های افراد، برابری در مقابل قانون، برابری فرصت‌ها (متوسلی، ۱۳۸۲: ۱۴). ما همین جمع‌بندی از مفهوم توسعه اقتصادی را با تسامح می‌پذیریم.

شاخص‌های اقتصادی

شاخص درآمد سرانه: درآمد سرانه از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن به دست می‌آید.

شاخص برابری قدرت خرید (PPP): شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌شود و سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست. در این روش، مجموعه‌ای از قیمت‌های حاکم در یک کشور در نظر گرفته شده و از آن برای ارزیابی قیمت همه کالاهای تولیدشده در کشورهای دیگر استفاده می‌شود.

شاخص درآمد پایدار (GNA, SSI): در این روش، هزینه‌های زیست‌محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌شود نیز در حساب‌های ملی منظور می‌شود (چه به‌عنوان خسارت و چه به‌عنوان بهبود منابع و محیط‌زیست) و سپس میزان رشد و توسعه به دست می‌آید.

شاخص توسعه انسانی (HDI): این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی شد که براساس این شاخص‌ها محاسبه می‌شود: درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (در بدو تولد) و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادای بزرگسالان و میانگین سال‌های رفتن افراد به مدرسه است).

از جمله شاخص‌های دیگر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: میزان توسعه نیروی انسانی، میزان استفاده بهینه از عوامل و منابع تولید، میزان هماهنگی سطح مصرف و رفاه جامعه با وضع عمومی اقتصاد، میزان حساسیت افراد جامعه نسبت به منافع ملی و میزان موفقیت در رفع فقر و ایجاد رفاه نسبی.

یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، پیشرفت در عرصه‌های مختلف قبل و بعد از انقلاب با توجه به آمارهای موجود مقایسه می‌شود. برای ارزیابی دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی منبع اصلی را آمار رسمی موجود در کشور می‌دانیم. ممکن است عده‌ای در این خصوص بحث داشته باشند، اما چاره‌ای جز اعتماد به همین آمارها نیست. در این میان هم آمار توصیفی و خام، مرجع مقایسه خواهد بود و هم تحقیقاتی که با تحلیل علمی آمار موجود وزن مؤلفه‌ها و سازه‌های مفهومی متشکل از چند شاخص عملیاتی جزئی‌تر را مشخص کرده‌اند (مثل مؤلفه عدالت اقتصادی و توزیع درآمد). نکته بسیار مهم نسبت بین ارزش‌ها و اهداف بنیادین یک انقلاب با مقوله‌های

اقتصادی است. هر نظام اقتصادی با ارزش‌ها و غایت‌هایی که برای زندگی اجتماعی در نظر می‌گیرد ارتباط مستقیم و تفکیک‌ناپذیری دارد. انقلاب اسلامی هم که انقلابی فرهنگی و ارزشی است در عرصه اقتصاد نمی‌تواند این ارزش‌ها را معلق و معطل بگذارد. موفقیت‌های عینی در شاخص‌های مرسوم و مقبول فقط بیانگر کارآمدی در بخش عام اقتصاد می‌تواند باشد، اما امکان اعتماد کامل به این دست یافته‌ها موضوعی است که پس از بیان یافته‌ها و در انتهای مقاله به آن بازخواهیم گشت.

الف) راه و ترابری

ساخت و توسعه راه‌ها به‌خصوص آزادراه و بزرگراه، زیربنای توسعه و از شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها در جهان محسوب می‌شود. آمارهای موجود نشان می‌دهد که تحولات اقتصادی شکل گرفته بعد از انقلاب در حوزه راه و ترابری بسیار جدی است. آمارهای رسمی به‌خوبی گستره این تحول را نشان می‌دهد.

جدول ۱. زیرساخت‌ها در بخش حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی

۱۳۹۴	۱۳۸۷	۱۳۵۷	زیرساخت‌ها
۷۳	۴۹	۰	پایانه باری (عدد)
۲۳	۲۴	۹	پایانه مرزی (عدد)
۶۵۱	۱۸۸	۰	مجتمع‌های خدماتی رفاهی (عدد)
	۱۹۸	۰	پایگاه امداد و نجات (عدد)
۲۹۳	۳۲۲	۱۰	پایانه مسافری (عدد)
۲۴۰۱	۱۶۰۶	۵۰	طول آزادراه‌ها (کیلومتر)
۱۵۴۶۲	۶۱۸۰	۱۷۴	طول بزرگراه‌ها (کیلومتر)
۲۳۸۱۷۹	۲۱۵۷۹	۱۳۷۵۹	طول راه‌های اصلی (کیلومتر)
۴۳۶۲۸	۴۳۴۸۹	۲۷۴۲۲	طول راه‌های فرعی (کیلومتر)
۱۲۸۳۹۵	۷۲۰۰۰	۲۰۰	طول راه‌های روستایی (کیلومتر)
۱۰۴۵۴	۸۷۰۲	۴۰۶۷	خطوط اصلی راه‌آهن (کیلومتر)
	۲۷۳۷	۰	خطوط فرعی (کیلومتر)
	۱۳۶۷/۵	۰	خطوط ریلی دوخطه (کیلومتر)
	۱۴	۷	بندر تجاری (عدد)
	۱۵۳	۳۱	پست اسکله (عدد)
	۱۸۰	۲۵	ناوگان هوایی (عدد)
	۷۰	۳۱	فرودگاه (عدد)

منبع: (بهبهانی، ۱۳۹۴)

مطابق با داده‌ها طول بزرگراه‌های کشور از ۱۷۴ کیلومتر در سال ۱۳۵۷ به ۱۵۴۶۲ کیلومتر، آزادراه از ۵۰ کیلومتر به ۲۴۰۱ کیلومتر، راه اصلی از ۱۳۷۵۹ کیلومتر به ۲۳۸۷۹ کیلومتر و راه فرعی از ۲۷۴۲۲ کیلومتر به ۴۳۶۲۸ کیلومتر افزایش یافته است. طول کل راه‌های آسفالت روستایی در سال ۱۳۵۷، از ۲۰۰ کیلومتر به بیش از ۷۲ هزار کیلومتر و طول خطوط اصلی راه‌آهن از ۴۰۶۷ کیلومتر در سال ۱۳۵۷، به ۸۷۰۲ کیلومتر رسیده است. ۲۷۳۷ کیلومتر خطوط فرعی و ۱۳۶۷/۵ کیلومتر خطوط ریلی دوخطه با تلاش مهندسان و کارکنان راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران احداث شده است. اهمیت راه‌آهن و نقش آن در بهره‌وری از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اقتصادی است و اجرای طرح‌های بزرگی همچون راه‌آهن کرمان- زاهدان و نظامیه- میاندشت، نشان‌دهنده توجه ویژه دولت‌ها در راستای توسعه متوازن تمامی نقاط ایران است. در مجموع طول خطوط اصلی راه‌آهن نسبت به ابتدای انقلاب دو برابر رشد داشته است.

در سال ۱۳۵۷ تنها هفت بندر تجاری با ظرفیت اسمی سالانه ۱۰ میلیون تن و ۳۱ پست اسکله به طول ۲۸۰۵ متر وجود داشت؛ در حالی که در سال ۱۳۸۷، ۱۴ بندر تجاری با ۱۵۳ پست اسکله به طول ۱۹۸۰۵ متر در حال فعالیت بوده است. تجارت، نقش مهمی در پیشرفت کشورها دارد و بنادر جدید، قطب تجاری کشور محسوب می‌شوند و موقعیت منطقه را از نظر تجاری غنی‌تر کرده‌اند. با افزایش ظرفیت بنادر تجاری و استفاده مناسب از موقعیت مناطق آزاد و جذب سرمایه‌های بخش خصوصی، ایران به جایگاه واقعی خود در تجارت جهانی خواهد رسید و این قطب تجاری می‌تواند نقش مهمی در توسعه ایفا کند.

در بخش حمل‌ونقل هوایی قبل از انقلاب ۳۱ فرودگاه در کشور موجود بود که در سال ۱۳۸۷ به ۷۰ فرودگاه افزایش پیدا کرد. همچنین ناوگان هوایی کشور از ۲۵ فروند در سال ۱۳۵۷ به حدود ۱۸۰ فروند در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است (بهبهانی، ۱۳۸۹).

داده‌های رسمی نشان می‌دهد همه شاخص‌های بالا تا سال ۱۳۹۴ رشد چشمگیری داشته، هرچند آمار رسمی قابل استنادی در برخی موارد در دسترس نیست.

ب) برق و آب

از مهم‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی آینده، مسئله کمبود آب است که حکومت‌ها را با چالش‌های مهمی مواجه خواهد ساخت. این موضوع زمانی برای ایران اهمیت می‌یابد که بدانیم متوسط بارندگی سالانه در کشور ما حدود ۲۵۰ میلی‌لیتر و نزدیک به یک‌سوم میانگین جهانی است. با این همه پیش از انقلاب تنها ۱۳ سد با نظارت و طراحی مستقیم مهندسان خارجی ساخته شده و ۵ سد دیگر به حالت نیمه‌تمام رها شده بود (محمدی، ۱۳۸۴). آمارهای موجود نشان‌دهنده رشد بسیار زیاد تولید برق در کشور است. تولید برق در سال ۱۳۸۹ نسبت به ابتدای انقلاب اسلامی بیش از ۱۲ برابر افزایش یافته است.

تولید برق در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۵۵، ۱۵ برابر شده است. مصرف برق طی حدود ۱۳ سال دو برابر شده و این شاخص هم نشان‌دهنده گسترش شبکه توزیع این انرژی بسیار محوری و مؤثر بر همه ابعاد فرهنگی، ارتباطی و سیاسی است و هم شاخص خوبی برای نمایش افزایش رفاه در جامعه است. آمار پیش از سال ۱۳۷۶ در دسترس نیست. صادرات برق نیز در سال ۱۳۸۹ به بیش از ۶۷۰۰ کیلووات ساعت و حدود ۱۸ برابر سال ۱۳۷۵ رسیده است (ترازنامه انرژی، وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی و سالنامه آماری ۱۳۹۴).

براساس داده‌های ترازنامه انرژی، وزارت نیرو، غالب شاخص‌ها نسبت به اوایل انقلاب افزایش بیش از ۱۰ برابری داشته است؛ تعداد مشترکان حدود ۸ برابر، خطوط انتقال نیرو در دو بخش حدود ۱۰ و ۵ برابر و خطوط فوق توزیع حدود ۱۰ و ۵ برابر توسعه یافته است. همچنین براساس آمار سالنامه آماری ۱۳۹۴ مجموع خطوط انتقال نیرو به بیش از ۵۱۰۰۰ کیلومتر مدار در سال ۱۳۹۴ رسیده است. خط فوق توزیع نیز به بیش از ۷۰ هزار کیلومتر مدار در همین سال رسیده است. همچنین مجموع ظرفیت اسمی نیروگاه‌های کشور از حدود ۱۵۰۰۰ مگاوات در سال ۱۳۶۸ به بیش از ۶۱۰۰۰ مگاوات یعنی ۴ برابر در سال ۱۳۸۹ رسیده است.

ج) نفت، گاز و پتروشیمی

در این حوزه چند شاخص مهم وجود دارد که با توجه به داده‌های موجود به آن می‌پردازیم.

۱. درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و خام کشور قبل و بعد از انقلاب اسلامی

درآمدهای نفتی ایران تا قبل از سال ۱۳۵۲ همواره کمتر از ۵ میلیارد دلار در سال بوده است. در سال ۱۳۵۳ به علت افزایش ناگهانی قیمت نفت و افزایش تولید نفت خام، درآمدهای ارزی کشور به بیش از ۲۳ میلیارد دلار و در سال ۱۳۵۷ به ۲۶ میلیارد دلار رسید که بالاترین درآمد ارزی از ابتدای تولید تا سال ۱۳۵۷ بوده است. پس از انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی، درآمدهای ایران از محل فروش نفت خام به ۵/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۵ رسید. با پایان جنگ تحمیلی و بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده، درآمدهای ارزی ایران به ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۹ افزایش یافت. با افزایش قیمت نفت و افزایش تولید نفت خام ایران به بیش از ۴ میلیون بشکه در روز، درآمدهای حاصل از فروش نفت خام از ۲۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۲ به ۶۸/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ افزایش یافت (ترکان، ۱۳۸۹). البته این میزان در سال‌های اخیر به دلیل تشدید تحریم‌ها به شدت کاهش یافته است.

باید توجه داشت که خام‌فروشی نفت مسئله‌ای است که مسئولان جمهوری اسلامی بر توقف آن تأکید داشته‌اند. بنابراین نوسانات در این موضوع و کاهش و افزایش در فروش نفت

خام آن هم مبتنی بر اراده قدرت‌های خارجی معیار درستی برای سنجش توفیق و عدم توفیق انقلاب اسلامی در این عرصه نخواهد بود. استمرار خام‌فروشی آن هم با مدیریت قدرت‌های برتر نشان می‌دهد پس از انقلاب در این خصوص تغییر بنیادینی صورت نگرفته است.

۲. طرح‌های توسعه میدان گازی پارس جنوبی در دست اقدام

یکی از تفاوت‌ها و تحولات بسیار جدی در صنعت نفت، تلاش برای بهره‌برداری از نفت نه به صورت خام، بلکه با تولید صنایع پتروشیمی و فراورده‌های نفتی است. توسعه پارس جنوبی از بزرگ‌ترین طرح‌های صنعتی است که به‌خوبی تفاوت نگاه به مسائل نفتی در قبل و بعد از انقلاب را نشان می‌دهد.

۳. افزایش سهم گاز در الگوی مصرف انرژی کشور

سال‌های متمادی بخش عظیمی از گاز کشور بدون هیچ استفاده‌ای سوزانده می‌شد. پس از انقلاب تحول عظیمی در این عرصه رخ داد و انرژی مصرفی اکثریت جمعیت گاز شد. بسیاری از صنایع نیز همین سوخت را جایگزین سایر سوخت‌ها کردند.

آمار نشان می‌دهد تحول بسیار جدی در مصرف گاز طبیعی اتفاق افتاده است. این میزان تا سال ۱۳۹۴ در مقایسه با سال ۱۳۵۵ بیش از ۶۰ برابر افزایش داشته است (ترازنامه انرژی، وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی و سالنامه آماری ۱۳۹۴). این میزان افزایش مصرف خود تابع تأمین زیرساخت‌های مختلفی است؛ از جمله تولید و مهار گاز طبیعی، ایجاد شبکه‌های گسترده توزیع گاز و... در حقیقت این میزان افزایش مصرف خود گویای توسعه اقتصادی و نیز ارائه خدمات گسترده در بخش‌های دیگر است (جدول ۳).

جدول ۲. شبکه، انشعابات و تعداد مصرف‌کنندگان گاز طبیعی: از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴

سال	شبکه (کیلومتر)	انشعابات نصب‌شده (تعداد)	تعداد مصرف‌کنندگان (تعداد)
۱۳۶۸	۱۸۷۱۰	۱۰۰۷۵۶۷	۷۶۴۳۶۹
۱۳۸۹	۱۸۹۴۸۴	۸۰۱۰۹۸۱	۱۳۲۰۱۸۸۸
۱۳۹۴			۲۰۰۶۶۷۱۸

مأخذ: ترازنامه انرژی، وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی و سالنامه آماری ۱۳۹۴

داده‌ها نشان می‌دهد شبکه انشعابات از ۱۸۷۱۰ کیلومتر در سال ۱۳۶۸ به ۱۸۹۴۸۴ کیلومتر یعنی نزدیک به ۱۰ برابر در سال ۱۳۸۹ رسیده است. انشعابات نصب‌شده از ۱۰۰۷۵۶۷ به ۸۰۱۰۹۸۱ رسیده است (افزایش ۸ برابری). همچنین تعداد مصرف‌کنندگان از ۷۶۴۳۶۹ به ۲۰۰۶۶۷۱۸ نفر افزایش یافته است؛ یعنی حدود ۳۰ برابر. آمار تعداد مصرف‌کنندگان خود

به‌خوبی گویای شبکه توزیع عادلانه این انرژی بسیار مهم در سراسر کشور است. آمار، میزان تحول در این حوزه بعد از جنگ را نشان می‌دهد.

همچنین تعداد شهرهای گازرسانی‌شده در سال ۱۳۷۵ به ۲۲۳ شهر و در سال ۱۳۹۴ به ۱۰۶۳ شهر افزایش یافته است. همین‌طور ۱۱۴۵۷۹۴۹ خانوار در سال ۱۳۸۵ از نعمت گازرسانی بهره‌مند بودند. این رقم در سال ۱۳۹۴ به ۱۹۶۰۲۰۰۰ خانوار افزایش یافته است. تعداد روستاهای گازرسانی‌شده به ۲۰۴۰۸ روستا در سال ۱۳۹۴ رسیده است (سالنامه آماری (۱۳۹۴).

د) بخش صنعت و معدن

به‌طور کلی صادرات غیرنفتی و به‌ویژه صادرات محصولات صنعتی در فعالیت‌های اقتصادی اهمیت زیادی دارد و اثر آن بر اقتصاد و رشد نسبی انکارناپذیر است؛ به‌گونه‌ای که توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران اقتصاد و توسعه به سمت تحلیل صنعت موجود برای صادرات غیرنفتی، عوامل تأثیرگذار بر عرضه صادرات صنعتی و نیز یافتن راهبردهایی برای توسعه صادرات غیرنفتی معطوف شده است. سعید وزرندی و همکاران در مقاله‌ای رشد خوب بخش صنعت و معدن بعد از وقوع انقلاب اسلامی را بررسی کرده‌اند. داده‌ها نشان‌دهنده تحول و رشد بالای بخش صنعت و معدن پس از انقلاب است. برای مثال فولاد خام بعد از انقلاب رشد متوسط سالانه ۱۱/۷ درصدی داشته و میزان تولید آن نسبت به اول انقلاب به حدود ۳۰ برابر رسیده است. نمونه بسیار چشمگیر دیگر، رشد ۷۰ برابری تولید دارو نسبت به اوایل انقلاب است (وزرندی و همکاران، ۱۳۸۹). براساس آمارهای موجود، ارزش صادرات غیرنفتی از ۵۴۳ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۱۸۱۴۶ میلیون دلار (بدون میعانات گازی) در سال ۱۳۸۷ رسیده است. گفتنی است مجموع صادرات غیرنفتی طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی برابر ۸۲۱۵۸ میلیون دلار است. در همین دوره، صادرات صنعتی و معدنی نیز از ۱۷۳/۹ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۱۵۲۹۳ میلیون دلار در سال ۱۳۸۷ رسیده است. جمع صادرات صنعتی و معدنی طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی برابر با ۶۷/۴ هزار میلیون دلار خواهد بود. سهم صادرات صنعتی و معدنی از صادرات غیرنفتی در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۸۷ به ترتیب ۳۲ و ۸۴/۳ درصد است. برخی دلایل این رشد را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

۱. به بهره‌برداری رسیدن طرح‌های تولیدی از محل اعتبارات صنعتی و فاینانس در برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه؛
۲. رشد و توسعه صنایع پتروشیمی در سال‌های پس از جنگ تحمیلی؛
۳. حذف پیمان ارزی و دیگر تشریفات اداری در زمینه صادرات؛
- ۴.

پرداخت یارانه‌های صادراتی بر پایه ارزش افزوده، کالای جدید و بازار جدید در سال‌های اخیر (زرنندی و همکاران، ۱۳۸۹).

کشوری که قبل از انقلاب تقریباً تمامی کالاهای صنعتی خود را از خارج وارد می‌کرده و معدود کالاهای ساخت داخل آن نیز اغلب کیفیت نامطلوبی داشته، هم‌اکنون در بیشتر زمینه‌ها خود به تولیدکننده تبدیل شده است و تولیداتش نیز در بسیاری از موارد، از نظر کیفیت و استاندارد قابل رقابت با مشابه خارجی است و در برخی صنایع (همچون صنایع ساختمانی) به مرز خوداتکایی کامل رسیده است (محمدی، ۱۳۸۴).

در دوران گذشته اقتصاد کشور وابستگی شدیدی به نفت داشت و درآمد حاصل از فروش آن بدون ضابطه و ارزان در راستای سیاست کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا، صرف خرید روزافزون تسلیحات نظامی می‌شد تا ایران نقش خود را به‌عنوان ژاندارم منطقه به‌خوبی ایفا کند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست کشور به‌سوی کاهش وابستگی به نفت و فروش ضابطه‌مند آن در چارچوب اوپک متمایل شد. مسئله افزایش صادرات غیرنفتی توفیق راهبردی است که می‌تواند در آینده آرمان استقلال اقتصاد از نفت را تحقق بخشد و آسیب‌پذیری امنیت اقتصادی کشور را مانع شود. در حالی‌که در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ صادرات غیرنفتی ایران حدود نیم میلیارد دلار و معادل یک‌چهارم صادرات نفت ارزش داشت (گزارش اقتصادی و ترازنامه ۱۳۷۳ بانک مرکزی، ص ۶۸). در برخی از سال‌های اخیر صادرات غیرنفتی تا مرز ۵ میلیارد دلار پیش رفت، یعنی ده برابر شدن نسبت به قبل از انقلاب. این رقم معادل یک‌سوم ارزش صادرات نفت بود که اگر با یک‌چهارم قبل از انقلاب مقایسه شود، نشانه افزایش توان اقتصاد فعلی کشور است. البته افزایش صادرات غیرنفتی که شاخص مثبتی در اقتصاد کلان ماست، به‌دلیل فراهم نبودن برخی‌زمینه‌ها، در سطح اقتصاد خرد آثار ناخوشایندی داشت؛ به‌طوری‌که قیمت عمده اقلام صادراتی برای مصرف‌کننده داخلی افزایش یافت. اما با تمام این مشکلات نشان داده شد که در صورت فراهم کردن شرایط، اقتصاد ملی توان بسط صادرات غیرنفتی را تا حد بسیار زیادی دارد و این علامت بسیار امیدوارکننده‌ای بر رشد و استقلال اقتصادی ماست (گروه کارشناسان معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۳: ۸۵).

هـ) کشاورزی و دامداری

براساس آمار رسمی در سال ۱۳۵۶، دولت ایران فقط توانایی تأمین مواد غذایی مردم خود به مدت ۳۳ روز را داشته است و مجبور بوده باقی مواد غذایی خود را از خارج وارد کند. برای مثال مرغ را از فرانسه، تخم‌مرغ را از اسرائیل، سیب را از لبنان، پنیر را از دانمارک و ... وارد

می‌کرده، لکن پس از انقلاب علی‌رغم دو برابر شدن جمعیت، بیش از ۳۰۰ روز در سال مواد غذایی خود را در داخل تأمین می‌کند و در بیشتر زمینه‌ها خوداتکا شده است (محمدی، ۱۳۸۴).

برخی معتقدند در طول سه دهه، چند عامل موجب تضعیف هدف مقدس رشد تولید، خودکفایی و خوداتکایی شده است؛ نخست، حاکمیت برخی اشخاص بی‌اعتقاد در رأس دستگاه متولی بخش؛ دوم، تضعیف و تحدید نهاد جهاد سازندگی به‌وسیلهٔ دستگاه‌های بالادست و سنتی؛ سوم، مسئولیت مستقیم دستگاه سنتی در بخش کشاورزی با مشخصه‌های ناکارآمدی؛ چهارم، تعطیلی نهاد کارآمد جهاد سازندگی در اوایل دههٔ سوم.

به‌رغم موانع مذکور، به‌نظر می‌آید اهداف نظام در این شاخص به مقصد خود نزدیک شده، به‌گونه‌ای که ضریب خوداتکایی محصولات کشاورزی به ۹۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. همین‌طور شاخص خودکفایی محصولات غذایی به ۸۷/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. این در شرایطی است که پایین‌ترین نرخ سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی اتفاق افتاده است (شیخی، ۱۳۸۹).

مطابق داده‌ها در تمام حوزه‌های کشاورزی میزان تولیدات کشاورزی و دامی بیش از ۳۰۰ درصد رشد داشته است و در مجموع کل تولیدات این حوزه در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۵۶ حدود ۴۰۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. عامل بسیار مهم در رشد تولیدات دامی و کشاورزی، توسعهٔ زیرساخت‌های روستایی و فراهم ساختن شرایط رفاهی و ارتباطی مناسبی است که مانع مهاجرت روستاییان به شهرها می‌شود. داده‌ها نشان‌دهندهٔ تحول بنیادین در شرایط مناطق روستایی است؛ راه روستایی از صفر به ۳۸۰۰۰ کیلومتر، راه شوسه ۱۰ برابر، آبرسانی از ۵۶۰۰ به ۳۷۰۰۰ روستا، برق‌رسانی از ۴۳۲۷ به ۴۱۰۰۰ روستا افزایش داشته است. همین‌طور تلفن، پست و مراکز بهداشتی و درمانی نسبت به اوایل انقلاب توسعهٔ چشمگیری داشته است. نکتهٔ مهم این است که تمام این آمارها وضعیت را تا سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد (شیخی، ۱۳۸۹).

براساس آمار سال ۱۳۹۴ میزان تولید محصولات زراعی از ۱۳/۳۱ میلیون تن در سال ۱۳۵۷ با متوسط نرخ رشد سالانه ۴/۷۷ درصد به ۶۸/۰۷ میلیون تن در سال ۱۳۹۲ رسیده و متوسط نرخ رشد سالانه میزان تولید محصولات زراعی آبی ۳/۹۴ درصد و دیم ۰/۹۶ درصد است.

با بررسی عملکرد کل محصولات زراعی کشور طی سال‌های ۵۷ تا ۹۲ ملاحظه می‌شود که بیشترین عملکرد محصولات زراعی آبی به‌ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۸۹ با ۹۹۱۰ کیلوگرم در هکتار، ۱۳۹۲ با ۹۸۲۷ کیلوگرم در هکتار و ۱۳۸۶ با ۹۶۸۴ کیلوگرم در هکتار است و کمترین عملکرد محصولات زراعی آبی مربوط به سال ۱۳۶۰ با ۴۲۲۱ کیلوگرم در هکتار است. بیشترین عملکرد محصولات زراعی دیم مربوط به سال‌های ۱۳۸۹ با ۱۳۲۲ کیلوگرم در هکتار،

۱۳۷۷ با ۱۲۵۳ کیلوگرم در هکتار و ۱۳۸۶ با حدود ۱۲۵۱ کیلوگرم در هکتار است و کمترین عملکرد محصولات زراعی دیم در سال ۱۳۶۸ با ۵۱۸ کیلوگرم در هکتار است. باید توجه داشت افزایش عملکرد در هکتار متأثر از عوامل مهم و متعددی مثل رشد زیرساخت‌ها، رشد علمی و مکانیزه‌سازی کشاورزی است. همین‌طور با بررسی میزان تولید محصولات صنعتی کشور طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ ملاحظه می‌شود که متوسط میزان تولید کل محصولات صنعتی در حوزه کشاورزی طی دوره ۳۶ ساله ۷/۷۶ میلیون تن، آبی ۷/۹۶ میلیون تن و دیم ۱۳۰/۷۸ هزار تن است. میزان تولید محصولات صنعتی از ۴/۱۶ میلیون تن در سال ۱۳۵۷ با متوسط نرخ رشد سالانه ۲/۷۴ درصد به ۱۰/۷۱ میلیون تن در سال ۱۳۹۲ رسیده و متوسط نرخ رشد سالانه میزان تولید محصولات صنعتی آبی ۲/۲۴ درصد و دیم ۰/۷۴ درصد است. همچنین بیشترین میزان تولید محصولات صنعتی به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶ است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۴). داده‌های جدول ۳ برخی تحولات زیرساختی پس از انقلاب را به خوبی نشان می‌دهد.

جدول ۳. مقایسه عملکرد عمرانی جهاد سازندگی در روستاها

شرح	شاخص	قبل از انقلاب	بعد از انقلاب
راه آسفالت روستایی	کیلومتر	۰	۳۸۰۰۰
احداث راه روستایی شوسه	کیلومتر	۸۰۰۰	۸۸۰۰۰
آب‌رسانی	روستا	۵۶۰۰	۳۷۰۰۰
برق‌رسانی	روستا	۴۳۲۷	۴۱۰۰۰
بهبودی کالبدی	روستا	۰	۱۰۵۰
تلفن	روستا	۱۵۱۷	۳۷۰۰۰
پست	روستا	۵۴۵۰	۸۰۰۰
مراکز بهداشتی و درمانی	روستا	۱۹۰۳	۳۸۹۰

منبع: «تحلیل نهادگرایانه گزیده‌ای از دستاوردهای کلان بخش کشاورزی در نظام ج.ا.ا».

و) مسکن در اقتصاد کشور

بخش مسکن از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران است که سهم عمده‌ای در تولید ناخالصی داخلی، سرمایه‌گذاری و اشتغال دارد و به لحاظ داشتن ارتباط قوی پسین و پیشین با بخش‌های مختلف اقتصادی، به‌عنوان محرک بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی عمل می‌کند. جدول داده - ستاده این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. فعالیت این بخش به‌منظور تولید محصول نهایی (مسکن) امواج فعالیت‌ها را با ضرایب مختلف در بخش‌های گوناگون ایجاد می‌کند (خواجه لویی،

۱۳۸۹). بررسی وضعیت مسکن طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ براساس شاخص‌های موجود مسکن در مجموع، بیانگر بهبود کمی و کیفی وضع مسکن است. اهم یافته‌های حاصل از این بررسی به قرار ذیل است:

- موجودی مسکن در کشور از ۱۰/۸ میلیون واحد در سال ۱۳۷۵ به ۱۶ میلیون واحد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. طی همین مدت، تراکم خانوار در واحد مسکونی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موارد سنجش رفاه اجتماعی، از ۱/۱۴ به ۱/۰۹ در سطح کشور و از ۱/۱۵ به ۱/۰۸ در نقاط شهری کشور بهبود یافته است.
- آمار حاکی از بهبود شاخص‌های بعد خانوار، تراکم نفر در مسکن و نفر در اتاق است. متوسط اتاق در واحد مسکونی از ۳/۸۳ به ۳/۴۴ تقلیل یافته که در راستای تغییر شکل سکونتی خانوارها و گرایش به کوچک‌سازی و آپارتمان‌نشینی است.
- طی دهه ۸۵-۱۳۷۵، نسبت واحدهای مسکونی بادوام در سطح کشور از ۵۹ درصد به ۷۴ درصد ارتقا یافته است. اندازه این شاخص کیفی مسکن، در مناطق شهری از ۷۷ درصد به ۸۷ درصد و در مناطق روستایی از ۲۸ درصد به ۴۴ درصد بالغ شده است.
- بررسی نحوه تصرف واحدهای مسکونی بیانگر آن است که نحوه تصرف ملکی از ۷۳ درصد به ۶۷ درصد کاهش یافته و طی دهه مورد بررسی، سهم تصرف اجاره‌ای مسکن از ۱۵/۶ درصد به ۲۴ درصد افزایش یافته است.
- نسبت هزینه مسکن به کل هزینه خانوار در مناطق شهری از ۳۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۹ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته، اما در مناطق روستایی تغییر چندانی نداشته و از ۱۴/۸ درصد به ۱۵ درصد رسیده است.
- سهم تسهیلات بخش مسکن از کل تسهیلات پرداختی توسط شبکه بانکی کشور از ۲۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۳/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است (خواجه لویی، ۱۳۸۹).
تحقیق خواجه لویی نشان‌دهنده تنزل در برخی شاخص‌های کمی بخش مسکن است:

 ۱. کاهش میانگین سطح زیربنای واحدهای مسکونی نوساز از ۱۲۷ متر مربع در سال ۱۳۶۷ به ۱۲۲ متر مربع در سال ۱۳۸۶؛
 ۲. کاهش میانگین مساحت زمین اختصاص یافته به یک واحد مسکونی از ۱۵۴ متر مربع در سال ۱۳۶۷ به ۷۱/۴ متر مربع در سال ۱۳۸۶؛
 ۳. کاهش اندازه شاخص تراکم خانوار بر واحد مسکونی از ۱/۱۴ در سال ۱۳۷۵ به ۱/۰۹ در سال ۱۳۸۵؛
 ۴. افزایش دوام و ایمنی مسکن و در نتیجه، رفاه بیشتر خانوارها؛
 ۵. افزایش سهم واحدهای مسکونی بادوام از ۰۶۰/۶۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷۹/۴

درصد در سال ۱۳۸۵؛

۶. جذب حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد نقدینگی در بخش و امکان مهار تورم.
 اما همین تحقیق نشان می‌دهد تحولات مثبت دیگری در حوزه مسکن اتفاق افتاده است:
 ○ استفاده بهینه از عوامل تولید از طریق کوچک‌سازی، انبوه‌سازی و استفاده از فناوری‌های جدید؛

- توان چشمگیر در ایجاد اشتغال مستقیم و غیر مستقیم؛
 ○ رشد توان تولید زیربنای مسکونی در حدی بیش از رشد تعداد خانوارها؛
 ○ تمایل خانوارها و مؤسسات اقتصادی به سرمایه‌گذاری در بخش مسکن؛
 ○ بازگشت سریع سرمایه در بخش مسکن در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی؛
 ○ الزام به احداث ساختمان‌های مسکونی با رعایت مقررات ملی ساختمان و استفاده از مجریان ذی‌صلاح؛

- ارتقای کیفی ساخت‌وسازها (مهارت کارگران، بیمه کیفیت، کنترل و ارزیابی)؛
 ○ گسترش نظام‌های ویژه مسکن کم درآمد (مسکن اجتماعی، خیرین مسکن ساز، احیای وقف ...)

- گسترش و توسعه بازارهای مالی و استفاده از ابزارهای نوین تأمین منابع مالی مورد نیاز؛

- کاهش تصدی‌گری دولت؛
 ○ کاهش رانت توزیع‌شده در واگذاری زمین‌های دولتی (خواججه لویی، ۱۳۸۹).

نکته مبهم در این بخش کاستی در داده‌های موجود بخش مسکن است. گرانی بخش مسکن از مهم‌ترین معضلات این حوزه بوده که عملاً زندگی مردم را با مشکلات متعددی روبه‌رو ساخته است. نبود داده‌های کافی در خصوص وضعیت مسکن قبل از انقلاب نیز امکان مقایسه را مشکل می‌سازد، اما نکته واضح و روشن در تغییر کیفیت ساخت‌وساز مسکن به‌خصوص مسکن روستایی است. می‌توان گفت پیش از انقلاب وضعیت مسکن مناطق روستایی بسیار نامناسب بوده و کیفیت مصالح و شیوه ساخت نیز در سطح پایینی قرار داشته است. براساس مشاهدات نگارنده در برخی مناطق محروم کشور، در این مناطق حتی یک ساختمان آجری با مصالح مستحکم در هیچ روستایی دیده نمی‌شد و این وضعیت تا دوران پس از جنگ با اندکی بهبود ادامه داشت. اما در حال حاضر در همان مناطق به‌ندرت ساختمان غیرمستحکم ساخته‌شده از گل و سقف چوبی یافت می‌شود.^۱ یکی از دستاوردهای مهم پس از انقلاب تلاش

۱. تقریباً تمام مناطق روستایی استان‌های غرب کشور چنین شرایطی داشتند.

برای ایجاد واحدهای مسکن محرومین توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی است. ۳۵۰۰۰ واحد طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴ یا احداث شده یا در دست احداث است (سازمان آمار، ۱۳۹۴). بیش از ۶۰۰ هزار واحد مسکونی توسط کمیته امداد امام خمینی برای محرومان احداث شده است.

ز) توزیع درآمد

در نظام اقتصادی اسلام، عدالت و توزیع عادلانه درآمد، هدف اصلی و محوری است. بنابراین توسعه و رشد اقتصادی به‌تنهایی مطلوبیت ندارد، بلکه امکانات و مواهب مادی و اقتصادی باید عادلانه توزیع شود. انقلاب اسلامی این اصل را همواره مدنظر قرار داده است. شاخص‌های توزیع عدالت چندان جامع نیست و تحقیقات انجام‌گرفته مبتنی بر این شاخص‌ها معیار کاملی در اختیار ما قرار نمی‌دهد. اما در هر صورت به برخی از مطلوب‌ترین این شاخص‌ها به‌طور نسبی و با احتیاط می‌توان استناد کرد. تحقیقاتی چندی انجام گرفته که تا حدودی وضعیت عدالت اقتصادی بعد و قبل از انقلاب را با هم مقایسه کرده است.

برنامه اول توسعه در شرایط خاصی از اوضاع و احوال اقتصادی-سیاسی کشور تدوین و تلاش برنامه‌ریزان بیشتر معطوف به رفع و حل معضلات سال‌های قبل از آن بود. بررسی شاخص‌های توزیع درآمد نشان می‌دهد که طی سال‌های برنامه دوم بهبود جدی در وضعیت توزیع درآمد جامعه حاصل نشده و حتی در جامعه شهری وضعیت توزیع بدتر شده است. برنامه سوم توسعه بدون وقفه و بلافاصله پس از خاتمه برنامه دوم توسعه به مرحله اجرا درآمد. در این برنامه با تعمیق بیشتری به موضوع توزیع درآمد پرداخته شد و سیاست‌هایی همچون هدفمند کردن یارانه مواد غذایی، توزیع کالا بزرگ برای جمعیت تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی، تداوم سیاست گسترش ایجاد مراکز نگهداری و سرپرستی نیازمندان در بخش غیردولتی، پرداخت مستمری به نیازمندان فاقد توان کار و فعالیت و گسترش پوشش بیمه‌های درمان در دستور کار قرار گرفت. همچنین در این برنامه، تدوین و تصویب لایحه نظام تأمین اجتماعی مطرح شد. در نتیجه اجرای سیاست‌های مذکور، وضعیت توزیع درآمد جامعه از بهبود محسوس برخوردار شد. با توجه به اینکه عملاً برنامه سوم توسعه با تعمیق بیشتری به بحث توزیع درآمد، ریشه‌کن ساختن فقر و بهبود شاخص‌های رفاه پرداخت. پیش‌بینی می‌شد که نتایج عملکرد برنامه سوم، زمینه‌ساز بهبود نسبی توزیع درآمد باشد و رشد شاخص‌های رفاه اجتماعی را به‌همراه آورد. در عمل نیز شاخص رفاه اجتماعی به‌دلیل افزایش درآمد سرانه و بهبود نسبی توزیع عملی درآمد، افزایش یافت. علی‌رغم سه برنامه پنج‌ساله توسعه که از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ در کشور به اجرا درآمد، توزیع نابرابر درآمدها، ناعادلانه بودن میزان بهره‌مندی اقشار آسیب‌پذیر جامعه از یارانه‌ها در مقایسه با اقشار

مرفه جامعه، عدم جامعیت در ارائه خدمات امور تأمین اجتماعی، تعدد نهادها و دستگاه‌های حمایتی از عمده مسائل و مشکلات توزیع درآمد در کشور بود که در آغاز برنامه پیش روی سیاست‌گذاران اقتصادی قرار داشت. در چنین فضایی و با عنایت به این ضعف‌ها، برنامه چهارم توسعه در ایران شکل گرفت. این برنامه با جدیت و اهمیت بیشتری به توزیع درآمد، رفاه اجتماعی و توسعه انسانی پرداخت. به‌طور کلی طی سال‌های پس از انقلاب، به تدریج موضوع توزیع درآمد بیش از پیش مدنظر دولتمردان قرار گرفته و به‌صورت محوری‌تری به آن نگریده شده است. به‌گونه‌ای که ضمن تصریح مبحث توزیع درآمد در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه چهارم، ماده ۹۸ برنامه چهارم نیز به مبحث استقرار عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی، کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه پرداختی، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی و ... اختصاص یافت. در نتیجه این امر ملاحظه می‌شود ضریب جینی شهری از ۰/۴۰۶۱ به ۰/۳۹۳۶ و ضریب جینی روستایی از ۰/۳۸۹۶ به ۰/۳۸۲۲ رسیده است (حیدرپور، ۱۳۹۴).

آمارها نشان می‌دهد ضریب جینی تا سال ۱۳۹۱ بهبود یافته است. این شاخص در سال ۱۳۹۰ ۰/۳۷۰۰ بوده و در سال ۱۳۹۱ (نهم‌ماه اول) به ۰/۳۶۴۳ کاهش یافته است. البته وضعیت ضریب جینی در سال‌های اخیر افزایش یافته است. نکته مهم این است که عدالت و توزیع درآمد عادلانه را صرفاً نمی‌توان با شاخص‌هایی مثل ضریب جینی سنجید. توزیع امکانات بهداشتی، آموزشی و پژوهشی، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی اعم از پست، تلفن، راه، اینترنت و... توسعه برق و آب در کل نقاط کشور شاخص‌های خوبی برای سنجش نسبی عدالت هستند و از این نظر انقلاب اسلامی دستاورد بی‌نظیری داشته است.

صرف‌نظر از محاسبه شاخص‌های توزیع درآمد، مقایسه سهم هزینه‌ای گروه‌های مختلف از کل هزینه‌های جامعه و سهم نسبی آنها مانند نسبت هزینه دهک ثروتمند به دهک فقیر و همچنین نسبت هزینه بیستک ثروتمند به بیستک فقیر، رویکرد مناسبی جهت بررسی وضعیت توزیع جامعه است. اهمیت این معیارها به‌حدی است که در برنامه چهارم توسعه در قالب اهداف کمی برنامه نیز هدف‌گذاری شده بودند. کاهش سهم هزینه‌های دهک دهم نسبت به دهک اول طی دوره، نکته مثبتی در جهت بهبود توزیع درآمد است. در سال ۱۳۷۴ سهم ثروتمندترین دهک جامعه ۲۴/۹۳ برابر سهم فقیرترین دهک بوده که این نسبت در سال ۱۳۸۶ به ۱۷/۴۲ رسیده است. این روند در خصوص ۲۰ درصد ثروتمندترین (بیستک) به ۲۰ درصد فقیرترین نیز مصداق دارد و نسبت موردنظر از ۱۱/۶۹ درصد به ۹/۰۸ درصد رسیده است. معیار مناسب دیگر سهم سه دهک فقیر روستایی نسبت به مجموع هزینه‌های دهک‌ها طی دوره

است که مقایسه این نسبت در انتهای دوره به میزان ۰/۹۴ نسبت به ابتدای دوره (۰/۸۴) حاکی از بهبود این سهم است. بهترین وضعیت در سال ۱۳۸۲ معادل ۱/۰۲ حاصل شده است. اما با وجود بهبودی که در وضعیت دهک‌های پایینی جامعه روستایی ملاحظه می‌شود، وضعیت دهک‌های میانی قدری بدتر شده و از سهم هزینه‌ای آنان در مقایسه با کل هزینه‌های جامعه روستایی کاسته شده است. به طوری که سهم دو دهک میانی از ۱/۵۲ در سال ۱۳۷۴ به ۱/۴۶ در سال ۱۳۸۶ و سهم چهار دهک میانی از ۳/۱۰ به ۲/۹۸ تنزل یافته است. نکته شایان توجه این است که سال ۱۳۸۲ با توجه به تمام معیارهای مذکور بهترین وضعیت توزیع را داراست (حیدرپور: ۱۳۹۴).

مرادیان در تحقیقی متفاوت نتیجه می‌گیرد تغییرات شدید اقتصادی در طول ۳۰ سال گذشته، موقعیت طبقه فقیر ایران را آبرومندتر از دیگر کشورهای در حال توسعه کرده است. مقایسه سطح فقر، مشکل‌تر از نابرابری است، زیرا هیچ راه واحدی برای مقایسه استانداردهای زندگی و در نتیجه، آستانه خط فقر در کشورها وجود ندارد. گزارش‌های مربوط به میزان فقر در ایران (بخشی از جامعه که در فقر زندگی می‌کنند) به شدت متفاوت است، زیرا نویسندگان و مؤسسات مختلف، سطوح متفاوتی از فقر را به عنوان خط فقر تعریف کرده‌اند. برای مثال، سازمان ملل گزارش می‌دهد که در سال ۱۳۸۲ نزدیک به ۲۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کردند. این برآورد براساس تعریف این سازمان از خط فقر معتبر است. آنان خط فقر در ایران را برابر ۲۸۸۰۰ ریال (۳/۳۶۶) دلار برای هر فرد در روز در نظر گرفته‌اند که کمی بیشتر از مقیاس ۱ یا ۲ دلار در روز برای هر نفر است که اغلب در مقایسه‌های بین‌المللی استفاده می‌شود (مرادیان، ۱۳۸۹).

نتیجه

انقلاب اسلامی دارای اهداف و مقاصدی همه‌جانبه است که تمام ابعاد زندگی مردم را مبتنی بر ارزش‌های اسلامی مورد هدف قرار داد. مسائل اقتصادی از جهات مختلف ذیل این اهداف کلی انقلاب جای می‌گیرند: مسائلی مثل عدالت اقتصادی و رفع تبعیض، محرومیت‌زدایی و کاهش فقر، خودکفایی اقتصادی، عدم وابستگی به نفت و... اساساً مبنای فکری انقلاب اسلامی به گونه‌ای است که تفکیک بین سایر ابعاد با ابعاد اقتصادی امری ممکن نیست و اگر هم ممکن باشد، مطلوب نیست. بنابراین تحقق هر کدام از این ابعاد و اهداف منوط به تحقق سایر وجوه است. البته در مقاطع حساس و خاص برخی ابعاد فدای سایر وجوه شده یا به طور موقت از بخش‌هایی از آن عدول می‌شود؛ مثل پذیرش تحریم‌های سنگین اقتصادی به سبب دفاع از ارزش‌های الهی و نیز حمایت از امت اسلامی.

در مجموع باید توجه داشت انقلاب اسلامی برای تحقق اهداف اقتصادی خود و برآورده کردن خواسته‌ها و نیازهای مردم با یک‌سری امکانات و موانع روبه‌رو بوده است؛ امکانات معنوی اغلب شرط لازم برای تحقق اهداف هستند؛ یعنی برای تغییر و تحول و نیل به وضع مطلوب لازم است مردمی باروحیه و باایمان و با عزم و اراده در صحنه حاضر شوند، اما این کافی نیست، بلکه باید امکانات و ابزار مادی هم داشته باشند. در انقلاب اسلامی، آشوب‌ها و درگیری‌های داخلی، محاصره اقتصادی، حمله نظامی، تهاجم فرهنگی، امواج تروریسم، رشد شدید جمعیت، مهاجرت وسیع از روستاها به شهر، فقدان تجربه مدیریتی کافی در بعضی زمینه‌ها، همه آفات و موانعی‌اند که توان و انرژی فوق‌العاده سنگینی برای دفع آنها صرف شده است و در نتیجه تحقق کامل اهداف دچار تأخیر شده‌اند (محمدی: ۱۳۸۴).

برای تشدید مسئله مذکور، در سطح بین‌المللی قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا در راستای هضم انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن در روند نظام بین‌المللی، همواره از نفت به‌عنوان اهرم فشار استفاده کرده‌اند. برای مثال در موارد متعدد و مقاطع حساس خرید نفت ایران تحریم شده است یا طی طرح داماتو، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مهم و افزایش ظرفیت تولید ایران، تحریم شده، یا از طریق تقویت بازارهای بورس، در جهت کاهش و تثبیت قیمت نفت حرکت شده است. در سطح داخلی نیز از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۶ مصرف داخلی نفت از نیم میلیون بشکه به ۱/۵ میلیون بشکه رسیده است؛ یعنی با آنکه جمعیت حدود دو برابر شده، اما مصرف نفت سه برابر شده است. این افزایش از نظر ارزیابی آثار و نتایج انقلاب اسلامی از یک طرف، علامت مثبت است و نشان می‌دهد که نفت به‌عنوان یک کالای مهم و ضروری که در کنترل و مالکیت دولت است، به‌طور وسیع در سطح کشور و بین اقشار مردم توزیع می‌شود و این امر می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک کند و رضایت‌مندی عامه را نیز افزایش دهد. از طرف دیگر، افزایش مصرف نفت بیش از افزایش جمعیت می‌تواند حامل پیامی منفی باشد، به این صورت که احتمالاً نفت به‌صورت غیربهبه‌ینه و صرفاً به‌صورت سوخت مصرف می‌شود که با توجه به نقش بنیادی این ماده در اقتصاد ملی کشور این امر یک نتیجه منفی است (حسین‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۷).

در کنار چنین موانع بزرگ داخلی و خارجی است که باید دستاوردهای شگرف اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی را بررسی کرد. در مجموع می‌توان این دستاوردها را در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. جلوگیری از غارت بیت‌المال توسط خاندان شاهنشاهی و وابستگان آن؛
۲. تلاش در راه پیشرفت صنعتی و تکنولوژیک کشور از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی، استفاده از علوم و فنون، تربیت افراد ماهر و...؛

۴. استقلال و خودکفایی اقتصادی در بسیاری از بخش‌های صنعتی کشور مثل علوم و فنون اقتصادی و افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی؛
۶. تلاش برای پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه براساس ضوابط اسلامی به‌منظور ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه؛
۷. پیشرفت‌های خوب در تأمین نیازهای اساسی، شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده؛
۹. رشد اشتغال مولد و کاهش مصارف تجملی؛
۱۴. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.
۱۵. عدالت اقتصادی و کم کردن فاصله طبقاتی و همچنین رسیدگی به مناطق محروم و کاهش فاصله بین مرکز و پیرامون و رسیدگی به روستاهای کشور و محرومیت‌زدایی از آنها و کاهش فاصله اقتصادی شهر و روستا.
- موضوعاتی مانند جهش صادراتی، جذب سرمایه خارجی، بسط و توسعه فعالیت‌های عمرانی و رفاهی در سطح روستاها مانند تأسیس خانه بهداشت، ساخت راه، حمام بهداشتی، برق، آب لوله‌کشی، تلفن، تأسیس مدارس تا سطح دبیرستان، تقویت امکانات زیست شهری، تقویت زیربنای توسعه مانند تربیت نیروی انسانی ماهر، انرژی، سدسازی، توسعه ارتباطات و راه‌ها و بنادر توسعه ظرفیت پالایشگاه‌ها و خودکفایی در تأمین فرآورده‌های نفتی با وجود افزایش شدید مصرف و جمعیت، جلوگیری از اتلاف گاز و پوشش دادن صدها شهر و میلیون‌ها نفر، افزایش چشمگیر ظرفیت تولید برق تا حد رفع خاموشی‌ها، توسعه ظرفیت پتروشیمی و افزایش تولید آن تا بیش از بیست برابر و...، از دیگر دستاوردهای ارزشمند انقلاب اسلامی است (محمدی: ۱۳۸۴).
- نکته پایانی که باید به آن پرداخت، مقایسه کارآمدی انقلاب اسلامی در مقایسه با آرمان‌هاست. هر آنچه در این مقاله به آن پرداخته شد، مقایسه با شرایط پیش از انقلاب با اتکا به آمار در دسترس بوده است. این نوع مقایسه امری ضروری و جدی است، اما مهم‌تر از آن مقایسه کارآمدی انقلاب با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی است. با چنین رویکردی به نقد درست و مبنایی دستاوردها می‌توان پرداخت و انگیزه بیشتر و بهتری برای حرکت در نیروهای دغدغه‌مند به‌وجود خواهد آمد. هرچه از ابتدای انقلاب بیشتر فاصله می‌گیریم، این معیار باید بیشتر مدنظر قرار گیرد. با چنین منظری است که آیت‌الله خامنه‌ای تحولات اقتصادی

در حوزه اقتصاد را رضایت‌بخش ارزیابی نمی‌کنند و معتقدند آن‌گونه که شایسته انقلاب اسلامی است و همسو با تحولات سایر بخش‌ها در این بخش کار نشده است.^۱

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. بهبهانی، حمید (۱۳۸۹). «بررسی و ارزیابی عملکرد ۳۰ ساله وزارت راه و ترابری»، **مجموعه مقالات درآمد مروری بر کارنامه سی‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران**، ج ۳، اقتصاد تدوین ابراهیم کلانتری، انتشارات دانشگاه تهران ج اول، ص ۱۶۸-۱۴۳.
۲. **ترازنامه انرژی**، وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی.
۳. ترکان، اکبر (۱۳۸۹). «کارنامه جمهوری اسلامی ایران در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی»، **مجموعه مقالات درآمد**، ج ۳، اقتصاد تدوین ابراهیم کلانتری، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۰۱-۱۶۹.
۴. حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۹). **آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران**، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۵. حیدرپور، افشین (۱۳۹۴). «تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از طریق برنامه‌های مؤثر کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمد بررسی رویکرد و عملکرد برنامه‌های توسعه پس از انقلاب»، **مجموعه مقالات دومین همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**، انتشارات آفتاب توسعه.
۶. خواجه لویی، منوچهر (۱۳۸۹). «ارزیابی برنامه‌های بخش مسکن در دوره پس از انقلاب اسلامی»، **مجموعه مقالات درآمد**، ج ۳، اقتصاد تدوین ابراهیم کلانتری، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۶۹-۲۵۱.
۷. روشه، گی. (۱۳۷۹). **تغییرات اجتماعی**، ترجمه منصور وثوقی، ویراست دوم ج دهم، تهران: نشر نی.
۸. زرنندی، سعید؛ عباسی، رضا؛ سراج‌زاده، محسن (۱۳۸۹). «بررسی ۳۰ ساله رشد و توسعه‌یافتگی کشور در بخش صنعت و معدن»، **مجموعه مقالات درآمد**، ج ۳، اقتصاد تدوین ابراهیم کلانتری، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۸۸-۲۷۱.
۹. **سالنامه آماری سال ۱۳۹۴** (۱۳۹۵). تهران: مرکز آمار ایران، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.
۱۰. سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲). «سیر تحول الگوهای توسعه اقتصادی متعارف و لزوم گرایش به الگوهای بومی» **مجموعه مقالات نخستین همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**، ج ۲، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. شیخی، عبدالمجید؛ جلالی‌منش، علی (۱۳۸۹). «تحلیل نهادگرایانه گزیده‌ای از دستاوردهای کلان بخش کشاورزی در نظام ج.ا.ا.» **مجموعه مقالات درآمد**، ج ۳، اقتصاد تدوین ابراهیم کلانتری، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۵۷-۲۸۹.
۱۲. گروه کارشناسان معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۳). **ربع قرن نشیب و فراز**، تهران: پایگان.
۱۳. گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی (۱۳۷۳).
۱۴. متوسلی، محمود (۱۳۸۲). **توسعه اقتصادی؛ مفاهیم، مبانی نظری - رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی**، تهران: سمت.

۱. امام‌خامنه‌ای معتقدند تحولاتی که انقلاب اسلامی در کشور به‌وجود آورد، تحولات بسیار عظیم و عمیقی است؛ در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، در اثبات هویت ملی، این تحولات، تحولات ۱۸۰ درجه‌ای و بسیار هم عمیق است. اما تحولات حوزه اقتصاد با این کیفیت نبوده است: «صریحاً عرض می‌کنم تحولاتی که در زمینه اقتصادی انجام گرفته، متناسب با تحولات در بخش‌های دیگر نیست. ما باید می‌توانستیم یک الگوی موفق از اقتصاد به دنیا عرضه کنیم... باید ما هم کارآمدی در جهت رشد رونق اقتصاد، هم کارآمدی در جهت تأمین عدالت را به دنیا نشان می‌دادیم. البته کارهایی را که شده و می‌دانیم، نمی‌خواهیم انکار کنیم؛ کارهای بسیار مهمی انجام گرفته، لکن به آن سطحی که باید می‌رسیدیم، قطعاً نرسیده‌ایم و این برای ما دردناک است» (بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰).

۱۵. محمدی، علیرضا (۱۳۸۴). «کارآمدی انقلاب اسلامی (مروری بر دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی)»، *مجله معرفت*، ش ۸۹، ص ۱۱۱-۱۱۸.
۱۶. مرادیان، محسن (۱۳۸۹). «درنگی در کارنامه ۳۰ ساله جمهوری اسلامی ایران». *مجموعه مقالات درآمد*، ج ۳، اقتصاد تدوین ابراهیم کلانتری، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ص ۱۴۲-۱۰۹.
۱۷. مرکز آمار ایران (پایگاه اطلاعاتی).
۱۸. نبوی، مرتضی (۱۳۸۹). «ابعاد توسعه در ایران: امروز و دیروز»، *مجموعه مقالات درآمد*، ج ۳، اقتصاد تدوین ابراهیم کلانتری، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۳-۱۳.
۱۹. وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات (۱۳۹۵). *بررسی آمار سطح برداشت و میزان تولید ۳۶ سال محصولات زراعی (سال ۱۳۵۷ لغایت ۱۳۹۲)*.

ب) خارجی

20. Meier, Gerald, M., (1995). **Leading Issues in Economic Development**, Oxford University Press.
21. Sen, Amartya, (1983). "Development: Which Way Now?", **Economic Journal**, pp.745-762.
22. Williamson, Oliver E. (2000). "The Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead", **Journal of Economic Literature**. No. 3.